فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc465596890)

[جامعه قبل از بعثت پیامبر 2](#_Toc465596891)

[سفرهای تجارتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 3](#_Toc465596892)

[سرپرستی ابوطالب 4](#_Toc465596893)

[خواستگاری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم 5](#_Toc465596894)

[اخلاقیات مردم قبل از بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم 6](#_Toc465596895)

[خطبه دوم 6](#_Toc465596896)

[مواردی در مورد دستگاه قضا 8](#_Toc465596897)

[اعتبار قضا به ارتباط با مبداء ولایت 9](#_Toc465596898)

[یافتن ریشه‌های منکرات 10](#_Toc465596899)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# خطبه اول

اعوذبالله بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه**[[1]](#footnote-1)**؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[2]](#footnote-2) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه شما برادران و خواهران گرامی و خود را در این روز مبارک جمعه به تقوای و پارسایی؛ پرهیز از گناهان و آلودگی‌های روحی و اخلاقی؛ عمل به دستورات خداوند، ذکر و یاد خداوند در همه احوال و توجه به فنای عالم و گذر این عالم؛ سفارش و دعوت می‌کنم، امیدواریم که خداوند همه ما را از بندگان ذاکر و شاکر و متذکر خودش قرار بدهد.

همان‌طور که مستحضر هستید؛ هم به مناسبت این ایام و هفته‌هایی که بین رحلت رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم و میلاد آن حضرت قرارگرفته است؛ قرار داریم و به همین مناسبت ما در یک یا دو خطبه قبل؛ گوشه‌ها و زوایایی از تاریخ و سیره نبی مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛ موردتوجه قراردادیم.

# جامعه قبل از بعثت پیامبر

در قسمت قبل از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ وضعیتی که حضرت ازنظر خانوادگی داشتند، شرایطی که برای آن حضرت به خاطر یتیمی و مشکلات زیادی که در زندگی ایشان پدید آمد؛ اشاره کردیم و همین‌طور بر این نکته تأکید کردیم که؛ بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ظهور این پیامبر عظیم الشان مسبوق به بشارت‌ها و مژده‌های زیادی که از انبیاء و اوصیاء آن‌ها و چهره‌های معنوی و اخلاقی جامعه داده‌شده بود و آن‌قدر علائم و نشانه‌ها در باب بعثت و تولد آن حضرت داده‌شده بود که بسیاری از افراد آگاه و مطلع؛ بخصوص از یهود و نصاری؛ حتی شخص آن حضرت را شناسایی کرده بودند و آشنا بودند.

نمونه‌هایی که انتظاری که در جزیرۀ العرب و در بعضی از سرزمین‌های دیگر و بخصوص در میان یهود و نصاری نسبت به بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود؛ نشانه‌ها و نمونه‌هایی را در خطبه‌های قبل اشاره کردیم.

# سفرهای تجارتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

بخصوص در دو سفری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بعثتشان به شام داشتند، در این دو سفر؛ علائم و نشانه‌های زیادی در مورد ظهور و بعثت آن حضرت پدیدار شد، علتش هم این بود که؛ بخشی از زندگی اقتصادی مردم جزیرۀ العرب به‌واسطه سفرهای تجارتی که افرادی از مکه و مدینه و جزیرۀ العرب به سمت یمن و شام انجام می‌دادند؛ خط سیر تجارتی بود؛ مردم با قافله شتر و چیزهایی که می‌توانستند به همراه می‌بردند و از آن‌طرف کالاهایی دیگر می‌گرفتند و حمل می‌کردند و به‌طرف مکه و مدینه می‌آوردند.

عموهای آن حضرت و افراد دیگر از قبیله آن حضرت در این سفرها شرکت می‌کردند، ازجمله حضرت عبدالمطلب و بعدها حضرت ابوطالب و چهره‌های دیگر از شخصیت‌های قریش به این سفرهای تجارتی می‌رفتند.

از طرف دیگر در مسیر و در خود شام یهود و نصاری زیاد بودند؛ بسیاری از مردم متدین به این دو دین توحیدی و ابراهیمی بودند، کسانی هم از مناطق فلسطین و شام و نقاط یهودی‌نشین و نصرانی نشین به خود مکه و مدینه آمده بودند.

طبعاً زمانی که قریش و قبائلی که در مکه و مدینه بودند به این سفرها می‌رفتند؛ علاوه بر مبادلات تجاری؛ مبادلات و تعاملات فرهنگی واقع می‌شد، آشنا به دین همدیگر می‌شدند و از همین رهگذر با یهودیت و نصرانیت آشنایی پیدا می‌کردند.

در بین مسیر با بزرگانی از یهودیان و نصاری بودند و با مردم قریش و قبائل جدیدة العرب آشنا می‌شدند.

در همین مدت قبل از بعثت رسول خدا، آنچه در تاریخ ثبت‌شده است این است که؛ دو بار پیامبر اکرم اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله قبل از بعثتشان به سفر شام رفتند، یک‌بار در هشت‌سالگی که در تواریخ اسلام نوشتند به این سفر رفتند و در همین سنین بودند که عبدالمطلب را از دست دادند، چهره شاخصی که حضرت را در یتیمی بزرگ کردند، در نقل‌ها هست که حضرت پدر را ندیدند و مادر را در اقوال مختلف هست که در چهار تا شش‌سالگی از دست دادند.

عبدالمطلب با نشانه‌هایی که شناخته بود و با اطلاعاتی دقیقی از این کودک و آینده او داشت؛ فوق‌العاده به او دل داده بود و او را حمایت می‌کرد.

## سرپرستی ابوطالب

با ارتحال عبدالمطلب؛ سرپرستی ایشان به ابوطالب منتقل شد، در هنگام مرگ او را به ابوطالب سپرد، ابوطالب تکفل او را پذیرفت و عبدالمطلب فرمودند: الآن راحت شدم، نونهالم را می‌دانم که به چه کسی سپرده شد.

در همان سال اول ابوطالب در یک سفر تجارتی به شام می‌روند، در تواریخ آمده که ابوطالب تصمیم گرفتند که حضرت رسول را همراه خودش ببرد، عده‌ای اعتراض کردند که ایشان در کودکی و نونهالی است، ممکن است در هوای گرم و مشکلاتی که هست؛ ایشان آسیب ببینند، اما حضرت ابوطالب به خاطر شدت علاقه‌ای که به حضرت داشتند و ترسی که نمی‌خواست او را تنها بگذارد؛ تصمیم گرفت که او را همراه خود ببرد.

نشانه‌های زیادی در تاریخ است که؛ عده‌ای از یهودی‌ها و مشرکان نمی‌خواستند که ایشان بزرگ بشوند و همیشه حضرت در معرض خطر تهاجم و ترور قرار داشتند، معمولاً کسانی که طرف دار آن حضرت بودند به ابوطالب و کسانی که تکفل ایشان را بر عهده داشتند؛ توصیه می‌کردند که ایشان را خوب حفظ کنند.

در همین سفر اول اتفاقاتی افتاد که یک قضیه بحیرا بود و قضیه دیگر این بود که؛ وقتی‌که حضرت در کوچه شام قدم می‌زدند؛ عده‌ای از اوصیاء حضرت عیسی و افراد مطلع و آگاهی که ایشان را دیدند و می‌دانستند که از قبیله قریش کسی آمده است، علائمی در چهره و رفتار و منش و روش در حضرت دیدند که آن‌ها را جذب کرد.

به حضرت ابوطالب گفتند که ما شما و این کودک را به معبد بزرگ شهر دعوت می‌کنیم، ایشان را دعوت کردند و به عبادتگاه شهر رفتند، یکی از کشیشان بزرگ در آنجا بود، به حضرت گفتند که کتف شما را ببینم، طبق نقل‌ها یک نشانه خاصی در کتف حضرت بود که نشان‌دهنده رسالت او بود.

کتف حضرت را دیدند و گفتگوی طولانی کشیش با حضرت کردند؛ در همان‌جا خیلی‌ها فهمیدند که این کودک همان پیامبر آینده بشریت و خاتم انبیاء هست، در همان‌جا به ابوطالب توصیه می‌کنند که زود از آن سفر برگردند که دشمن زیادی این حضرت دارند.

راهب دیگری که وقتی حضرت را دید؛ در چهره او نور رسالت را دید و گفت: «انت دعوت ابراهیم و بشری عیسی» تو دعوت ابراهیم هستی و تو مژده حضرت عیسی هستی.

سفر بعدی حضرت در بیست‌سالگی بود و طبق بعضی از نقل‌ها در بیست‌وپنج‌سالگی است که قریب به ازدواج ایشان است که خود ایشان به‌عنوان یک سفر تجارتی رفتند، مسلمات قضیه این است که؛ ابوطالب به حضرت گفتند که شما باید ازدواج بکنید و خوب است که یک سفر تجارتی بروید که تمکن مالی ازدواج شما فراهم بشود.

در روایات هست که حضرت رسول در هیچ مقطعی از عمر شریفشان اجیر کسی نشدند، اما به‌صورت مضاربه که کسی سرمایه بدهد و کسی هم کار بکند و در سود سهیم بشوند؛ این کار را انجام می‌دادند.

حضرت با اموال حضرت خدیجه برای مضاربه و یک تجارت به سفر رفتند و در همین سفر هم علائم و آثاری از ایشان بروز و ظهور پیدا کرد و همین سفر مقدمه‌ای برای ازدواج ایشان شد، حضرت در سن بیست‌وپنج‌سالگی ازدواج می‌کنند، خود حضرت خدیجه که زنی بودند که صاحب معرفت و ایمان و دانش و هم صاحب ثروت و تمکن بودند؛ خود ایشان در ازدواج پیامبر پیش‌قدم شدند، سن حضرت خدیجه از بیست‌وچندسالگی تا چهل‌سالگی نقل‌شده است، مشهور این است که چهل‌ساله بودند.

## خواستگاری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

در اینکه حضرت خدیجه قبلاً ازدواج کردند یا اینکه ازدواج اول ایشان بوده؛ اختلافات زیادی هست، اما مشهور این هست که ازدواج مجدد حضرت خدیجه بوده است.

در خواستگاری حضرت ابوطالب این جملات را گفتند: ان بن اخی هذا لا یوزن برجل من قریش الا رجه، این فرزند برادر من با هر کس از قریش سنجیده شود؛ برتری خواهد داشت، ولا عز له فی الخلق، و کسی در میان مردم یا در اخلاق نیکو شانه‌به‌شانه او نیست، گرچه او دارای مال نیست اما دارای اخلاق نیکو و خاندان شناخته‌شده و بزرگی است، مال یک سایه گذرا اما علم و ادب و اخلاق برای انسان میراث ماندگار است و من برای فرزند برادرم خدیجه را خواستگاری می‌کنم، ورقة بن نوفل به تردید افتاد که چه جواب بدهد، در روایات آمده است که خود حضرت خدیجه فرمودند که من آمادگی ازدواج با او را دارم.

پیامبر اسلام به خاطر شخصیت ممتاز حضرت خدیجه به خواستگاری رفت، البته اموال خدیجه ارکانی شد برای ثبات و استواری اسلام، اما مبنای این ازدواج با قرائن زیاد؛ مبنای مالی نبود.

بخصوص حضرت خدیجه نوعی فداکاری می‌کرد؛ به خاطر اموالی که داشت و خواستگارهای زیاد با مکنت و مال زیاد را رها کرد، اخلاق نیکو و علم و ادب رسول خدا را در ازدواج خودش ترجیح داد.

ورقة بن نوفل به حضرت خدیجه اطلاع داده بود که این فرد کیست و رسالت برای اوست.

نقل‌های مختلفی است که صاحب چهار تا شش فرزند شدند که همه از دنیا رفتند به جزء حضرت فاطمه سلام‌الله علیها که بعد از مبعث بنا بر نقل مشهور متولد شدند.

## اخلاقیات مردم قبل از بعثت رسول‌الله صلی الله علیه و آله وسلم

قسمتی از تواریخ که تاریخ و سیره ابن اسحاق است در دوره نوجوانی و جوانی حضرت رسول این‌چنین است،

در آن دوره با اخلاقیات بد و جنگ‌های قبیله‌ای و رواج فساد و فحشاء و منکرات در مکه و از سوی دیگر رواج بت‌پرستی و شرک، هر گوشه از زندگی حضرت را انسان نگاه می‌کند؛ آثار نیکی و خوبی و درخشندگی و منزه بودن از آن‌همه آلودگی‌های محیط در حضرت بودند.

از هنگام تولد و کودکی و نوجوانی و جوانی؛ بهترین مردمان در میان جامعه خودش بود، نیکوترین اخلاق و بهترین خاندان او داشت و نسبت به همسایگان و مستمندان بهترین رفتار از آن او بود.

حلم، علم و دانش و راست‌گویی در وجود و زندگی او موج می‌زد و امانت‌داری و صدق حدیث او ضرب‌المثل محیط آلوده جزیرة‌العرب بود و کسی بود که زبان او از فحش و ناسزاگویی و منش و شخصیت او از هر اخلاق آلوده‌ای منزه بود و همچنان به امانت‌داری و راست‌گویی و منزه بودن از آلودگی در طول دوره کودکی و نوجوانی و جوانی باقی و مستمر بود؛ تا اینکه خداوند تبارک‌وتعالی او را به رسالت مبعوث کرد.

### خطبه دوم

اعوذبالله بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه**[[3]](#footnote-3)**؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[4]](#footnote-4) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

در آستانه میلاد فرخنده و خجسته رسول مکرم اسلام و فرزند گرامی ایشان حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام هستیم و همین‌طور هفته وحدت؛ این مناسبت را گرامی می‌داریم و این دو میلاد بزرگ و سرنوشت‌ساز برای بشریت و اسلام و شیعه را به حضور شما نمازگزاران عزیز و گرامی و به محضر حضرت بقیة‌الله اعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفدا تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

اقوال در میلاد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

به این نکته تأکید می‌کنم که؛ همان‌طور که می‌دانید در میلاد رسول خدا دو قول است: قول مشهور اهل تسنن 12 ربیع‌الاول است و قول مشهور شیعه 17 ربیع‌الاول است، حدفاصل میان این دو قول هفته وحدت اعلام‌شده است، به‌عنوان ایامی که شیعیان و اهل تسنن به این نکته بی اندیشند که برای اهداف مشترک و تأمین آرمان‌های مشترک دنیای اسلام باید دست برادری و دوستی به هم بدهند، سیره پیشوایان و ائمه طاهرین ما بود.

پیشوایان بااینکه مشعل‌دار راهی جدا بودند از بیشتر و عموم مسلمان‌ها و ادامه‌دهندگان راستین رسالت رسول خدا بودند و معتقد به حقانیت خودشان بودند، اما در مقام رفتار و برخورد و معاشرت بنای بر سازگاری، اخلاق نیکو و صمیمیت داشتند، برای همه ما باید درس و الگوی مهمی باشد، علی‌رغم اینکه معتقد بودند که تنها مسیر حق همان چیزی بود که در غدیر خم اعلام شد و بعد از رسول خدا بایستی خلافت و امامت به علی بن ابی‌طالب و فرزندان او برسد و مغرضان و معاندانی مانع این وصول حق به صاحبان حق شدند، اما درعین‌حال؛ امام صادق علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام و اصحاب بزرگ این‌ها در میان مسلمانان با اهل تسنن معاشرت خوب داشتند.

صرف اختلاف سلائق و اختلافات فکری در مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جناحی به منازعات بی‌پایان و بی‌ثمر و ضربه زدن به مصالح ملی و اسلامی نباید بکشاند.

ملاک وحدت را حفظ بکنیم؛ گرچه معنای وحدت این نیست که همه یک فکر داشته باشند، اما در تنظیم روابط اجتماعی، روابط سیاسی و اقتصادی؛ وحدت مؤثر است و باید موردتوجه قرار بگیرد.

در این هفته مواجه با هفتم تیر و سالروز شهادت مرحوم آیت‌الله بهشتی ویاران او هستیم که شهادت بسیار دل‌خراش و البته مؤثر در تاریخ انقلاب ما بود، شهادت را تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و این مناسبت مبنایی شده بر روز قوه قضائیه و توجه به مسائل قضایی در کشور، روز قوه قضائیه و مناسبتی که با قوه قضائیه و مجموعه قضات و کارکنان و کارمندان و همه‌کسانی در ارتباط با امر قضا هستند؛ تبریک می‌گویم، چند نکته حائز اهمیت که به برادران قوه قضائیه عرض می‌کنم.

اطلاع داریم که امر قضا و داوری از ریشه‌دارترین سنن اجتماعی بشر بوده است، هر وقت جامعه‌ای داشته و مبنای جمع و اجتماع خودش بر قانونی استوار کرده است؛ طبعاً در کنار او مسئله قضا و داوری داشته است، در فرهنگ دینی بشر از ابتدا تشکل جوامع بشری مسئله قضا یک رکن و پایه نظم و انضباط اجتماعی و احقاق حقوق مردم در جوامع تاریخی بشر بوده است.

### مواردی در مورد دستگاه قضا

در فرهنگ اسلامی از همان ابتدای نزول قرآن؛ بخصوص آیات زیادی از قرآن که در مسئله قضا در مدینه نازل‌شده و اینکه قضاوت حق رسول خدا و اولیاء الهی و اهمیت امر قضا از زوایا و ابعاد مختلف پرداخته است، شاید آیاتی که در قرآن با تأکید تمام در امر قضا و داوری داشته باشیم؛ اگر کسی نگاه بکند؛ احساس می‌کند که یک فضا و تأکیدهای خاصی در مسئله قضا و داوری در این آیات مشاهده می‌شود که شاید در خیلی از چیزهای دیگر احساس نشود.

اصل یک حکومت سالم این است که یک قضا و داوری عادلانه و سالم و صحیح مبتنی بکند، قوه قضاییه هم باید نیرومند باشد و دارای اقتدار و اعتبار باشد و هم باید در درون خود سالم باشد.

عزیزانی که در قوه قضاییه هستند باید هر دو جهت را تأمین بکنند و از بیرون جامعه هم باید کمک بکند که قوه قضاییه در این جایگاه قرار بگیرد، با این نگاه و نکته کلی که گفتم؛ قوه قضاییه حافظ قانون و نظم اجتماعی است، کار قوه قضاییه این است که قوانینی که از اسلام نشأت‌گرفته و قوانینی که مبنای نظم و تنظیم روابط درست جامعه است؛ نگهبانان و حافظ امین قوانین و نظم اجتماعی باشند، در درون خودشان از تقوا و پارسایی، اخلاق خوب و معاشرت با مردم برخوردار باشند، بسیاری از مسئولیت‌های دیگر اداری و حکومتی این نکات اهمیت دارد، هرکسی که منتسب به دستگاه بزرگ قضا هست؛ در داوری‌ها و معاشرت‌های خودش، هواهای نفسانی و دشمنی‌های خودش را اعمال نکند.

دستگاه قضا باید بر دوستی‌ها و دشمنی‌های خودش غالب بشود و مبنا را قوانین الهی و اجتماعی قرار بدهد، پرهیز دستگاه قضا از رشوه که آفتی است و همیشه دستگاه قضا را تهدید می‌کرده و همه حکومت‌ها همواره مواجه با این آفت و آسیب بزرگ در امر قضا هستند.

تسریع در امور قضا، ولی متأسفانه همیشه در دستگاه قضا مواجه با این تأخیرها بوده است، البته در سال‌های اخیر اقدامات خوبی انجام‌شده است، توجه به مستمندان و محرومان؛ بخصوص کسانی که اطلاعات قانونی دقیق ندارند و به خاطر محروم بودنش از اطلاعات حقوقی در دعاوی؛ مواجه با مشکل می‌شوند، خود قضات و کارمندان می‌توانند به این افراد کمک کنند که افراد اطلاعات خوب پیدا بکنند.

قوه قضاییه باید خودش را فراتر از سلائق و جناح‌های سیاسی و اجتماعی قرار بدهد، اما جناح‌ها و صاحبان افکار باید اعتبار و اقتدار قوه قضاییه حفظ بکنند، فکر نکنند که اگر اقتدار قوه قضاییه شکسته شد؛ به نفع کسی یا جناحی یا گروهی است، قوه قضاییه باید اقتدار داشته باشد، حتی اگر اشتباه داشته باشد باید با نقدهای درست و روش‌های سنجیده آن را اصلاح کرد، خود قوه قضاییه هم باید مراقب اقتدار و حیثیتش باشد.

### اعتبار قضا به ارتباط با مبدأ ولایت

اعتبار قضا؛ بخصوص در بینش اسلامی به ارتباطش با مبدأ ولایت است، در قرآن بخصوص روی این مسئله تأکید شده است، این ارتباط را خود قوه قضاییه باید نگهبانی بکند و دیگران هم حریم او را حفظ بکنند.

اسلام و تکمیل قوانینی که مشکلات مردم را سریع حل بکند و دقیق شدن در گذراندن آن قوانین؛ از وظائف مهم قوه قضاییه است و انتظار می‌رود که دستگاه قضا با یک نگاه دقیق‌تر و جامع‌تر فصل جدید خودش را آغاز بکند و انتظار می‌رود که قضات و کارمندان شریف دادگستری‌های ما در هر جای کشور و در منطقه ما؛ ضمن اینکه باید تقدیر کرد و تشکر کرد؛ اما انشاء الله توجه به‌سلامت درونی خودش؛ حتی در یک موارد کم برای قوه قضاییه زشت و قبیح است.

مردم هم باید شرایط سخت دستگاه قضا را درک کنند و مشکلاتی هست یا رأی‌هایی که دادگاه می‌دهد برعلیه برخی؛ فرد به خودش مراجعه کند که شاید خودش اشتباه کرده و به گردن دستگاه قضا نیاندازد.

سعی بکنند مردم در درون خانه یا محله یا محیط‌های مختلف؛ تا امکانش هست؛ مسائل به دادگستری و مراجع قضایی نکشد، کسانی که در خانه یا محله مورداحترام و اعتبار هستند؛ سعی بکنید با دخالت در دعاوی که خیلی پیچیده نیست و با مصالحه می‌شود حل کرد؛ قضایا را تمام بکنند و به دستگاه قضا نرسد.

علی‌رغم اینکه استان یزد از استان‌های بسیار کم مسئله و کم پرونده بوده است؛ حتی در منطقه ما آمار نشان می‌دهد که یک مقدار پرونده‌ها رو به افزایش است و جای نگرانی است؛ این امر اجتماعی مهم است که همه ما باید به فکر چاره‌اندیشی باید افتاد.

پرونده‌های خانوادگی زیاد شده؛ در مسئله سرقت؛ بخصوص در ایام تابستان زیاد شده است و مسائل مواد مخدر و دیگر مسائل رو به افزایش است.

### یافتن ریشه‌های منکرات

به‌عنوان مسئولان فرهنگ واداری جامعه و خانواده‌های محترم بنشینیم ریشه‌های را بیابیم و آن را بخشکانیم، عواملی در خانواده‌ها وجود دارد ازجمله: ازدواج‌های تحمیلی، عدم رعایت حقوق متقابل، سخت‌گیری و انتقام‌جویی در خانواده و عوامل دیگری که باعث کثرت اختلافات خانوادگی می‌شود؛ باید معالجه بکنیم.

کار مساجد، مراکز فرهنگی، نماز جمعه و خود مردم این است که؛ به این ریشه‌ها بپردازیم.

از خانه خود با نظارت درست شروع بکنیم، باگذشت و ایثار و حل مسائل قبل از اینکه دامنه وسیعی پیدا بکند؛ جلوی نابسامانی‌های اجتماعی را بگیریم.

نظارت درست بر خانواده، توجه به مسائل اخلاقی و تربیتی، حل مشکلات و دعاوی در مراحل اولیه‌اش صورت گیرد، در این صورت جلوی خیلی از منکرات گرفته می‌شود.

وقتی‌که به بعضی از منکرات دقیق می‌شویم می‌بینیم که آفت در درون خانواده بوده است، پدر و مادر خانواده درست نظارت و توجه نداشتند و دقیق نبودند و به فکر حل مشکلات اجتماعی نبودند.

در پایان ضمن طلب علوّ درجه بیشتر برای شهدائی که اخیراً تشییع شدند، از همه‌کسانی که در تشییع‌جنازه‌های مطهر شهداء که یادگاران دوره جهاد درراه خدا و ایثار درراه خدا و معنویت و عرفان در نسل جوان ما بود؛ تشکر می‌کنم.

قبور شهداء، راه و رسم شهداء و جنازه‌های باقی‌مانده شهداء؛ مشعل‌های هدایت برای ما هستند، راهنمایان طریق و صراط مستقیم خدا هستند، نمادها از دوره‌ای هستند که؛ نسل جوان ما در معرفت خدا و عرفان خدا و جهاد درراه خدا غوطه‌ور بود و امروز هم نسل جوان و جامعه ما را به معنویت و یاد خدا و توجه به آخرت و پاک‌سازی درون از آلودگی‌ها، به اخلاق خوب و عرفان و معنویت دعوت می‌کنند، این پیام شهداء است و نشانه‌های شهداء همه ما را به این راه و مسیر دعوت می‌کند.

برای رفع گرفتاری‌ها و حل مشکلات فردی و اجتماعی و شفای مریضان و جانبازان و استجابت دعوت‌ها؛ پنج مرتبه این آیه شریفه را با هم تلاوت می‌کنیم: «امن یجیب المضطر اذا دعا و یکشف سوء»

1. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-3)
4. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-4)